

فرمانداری تهران با نامگذاری خیابان‌ها به نام برخی هنرمندان مخالفت کرد

شورای شهر می‌دانست به این سادگی نیست!؟



ژرناز غلامی

۲۷ فروردین امسال، اعضای شورای شهر تهران در مصوبه‌ای باقیدد فوریت به تغییر نام چندین خیابان در پایتخت به نام شماری از هنرمندان بزرگ کشور از جمله محمدرضا شجریان، علی نصیریان، محمدعلی کشاورز، غلامحسین امیرخانی، داود رشیدی و عزت‌الله انتظامی رأی دادند.

بررسی همسویی مصوبات شوراباقوانین پیش از ابلاغ را برعهده دارد؛ خواستار توضیح «مبنادلیل تغییر نام» خیابان‌ها از سوی شورای شهر شده‌است. دیروز هم در خبرها خواندیم که باگذشت سه‌ماه از تصویب نامگذاری چند خیابان در تهران به نام برخی هنرمندان سرشناس ایرانی، این مصوبه به دلیل «مخالفت فرمانداری تهران» هنوز به شهرداری تهران ابلاغ نشده است. یکی از اعضای کمیسیون

حتمی خبرهایی از لغواین مصوبه به گوش می‌رسد. در جدیدترین اخباری که در فضای مجازی منتشر شده، گفته می‌شود که شورای شهر تهران مصوبه قطعی خود در مورد نامگذاری خیابان به نام هنرمندان را از فرمانداری تهران پس گرفته‌است. البته محسن هاشمی، رئیس شورای شهر تهران در گفت‌وگو با ایرناپلاس این موضوع را تأیید نکرد و گفت: «خبری از چنین اتفاقی در دستم نیست و من الان نمی‌خواهم راجع به این موضوع صحبت کنم.»

نامگذاری هادر میان اعضای شورای هم‌مخالفانی داشت

حسن خلیل‌آبادی، باشا‌ره به وجود حساسیت نسبت به برخی نام‌ها تأیید کرد که فرمانداری تهران «تسبیت به بخشی از این نامگذاری‌ها اعتراض دارد». وی همچنین با رد احتمال لغو مصوبه افزود که مخالفت فرمانداری با مصوبه شورا «ملاک حقوقی ندارد و به صورت کلی اعلام شده‌است که به این نامگذاری اعتراض دارند»

خلیل‌آبادی ادامه داد: «در واقع هیئت انطباق به مصوبات شوراعتراض می‌کند و این اعتراض باید طبق نص صریح قانون انجام شده و مشخصاً اعلام شود که بر اساس این ماده قانونی نسبت به این مصوبه مخالفت دارد. نامه‌ای که فرمانداری به شورا ارسال کرده است این ویژگی‌ها را ندارد و به هیچ‌بند قانونی اشاره نشده‌است و ملاک حقوقی ندارد.» محمدرضا شجریان، فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، هوشنگ ابتهاج و سیمین دانشور از جمله هنرمندانی هستند که گفته می‌شود فرمانداری تهران با نصب نام‌شان بر خیابان‌ها مخالف است.

خلیل‌آبادی به خبرگزاری ایرنا گفت که امیدوار است با حذف دو یا سه نام از این لیست، بقیه نامگذاری‌ها انجام شود. اما واگرها تا جایی پیش رفته که

در خبرها خواندیم که مصوبه تغییر خیابان‌ها به نام برخی هنرمندان، به دلیل «مخالفت فرمانداری تهران» هنوز به شهرداری محمدرضا شجریان، فروغ فرخزاد، سیمین بهبهانی، هوشنگ ابتهاج و سیمین دانشور از جمله هنرمندانی هستند که گفته می‌شود فرمانداری تهران با نصب نام‌شان بر خیابان‌ها مخالف است

گذر و معبر جدید را نامگذاری کنیم این روش نامگذاری صحیح است؟» عضو هیات رئیسه شورا ادامه داد: «به نظر در این تغییر نام، تنها از شهرداران مناطق، نظر سنجی به عمل آمده؛ همه ما می‌دانیم خانواده‌های برخی از این بزرگان تمایل نداشتند نام عزیزانشان بر در و دیوار شهر باشد و واقعا به مالتف کردند که اجازه دادند.»

این کار را دوست ندارم ریاکارانه است

با کمی اغماض مصداق این گفته نژادبهرام‌رامی توان علی‌نصیریان، بازیگر پیشکسوت تئاتر، سینما و تلویزیون دانست که از نامگذاری خیابانی به نام خود در تهران ابراز نارضایتی کرده و گفته‌است: «این کار را دوست ندارم، زیرا در آن خودنمایی و ریاکاری وجود دارد و من علاقه‌ای به این امر ندارم.» او که برای تماشای پشت‌صحنه و انتخاب بازیگران فیلم «گاو» به پردیس سینمایی چارسور رفته بود، افزود: است: «حتی از شورای شهر هم به من رنگ‌زدند، همین را گفتم. حالا آن‌ها تصمیم‌شان چه باشد، به خودشان

ربط دارد. من هیچ مخالفتی با این که نمایندگان مردم در شورا، خیابان‌ها را به نام هنرمندان و شاعران وادیبان تغییر دهند، ندارم. فقط درباره خودم اظهار نظر می‌کنم.»

بازیگر سریال‌هایی چون «هزار دستان» و «سربداران» درباره نام‌گذاری مراکز و سالن‌های هنری به نام هنرمندان نیز معتقد است: «این جاها کار درستی است، چون مربوط به تخصص و عرصه کاری آدم‌هاست. این که مدرسه‌ای به نام یک معلم نمونه شود، سالن تئاتری به نام یک هنرمند شود، در مانگامی را به نام یک پزشک متعهد کنند یا شبیه این‌ها، خیلی هم خوب است.»

هنرمند باید چراغ راه باشد نه اسم خیابان!

پیشنهاد جنجالی تغییر نام خیابان‌ها از سوی محمدجواد حق‌شناس، رئیس کمیسیون نامگذاری شورای شهر تهران به شورا داده شد که بر اساس آن برخی خیابان‌های تهران به نام هنرمندانی چون محمدرضا شجریان، سیمین بهبهانی و فروغ فرخزاد تغییر داده شود. این پیشنهاد اگر چه با استقبال اعضای شورای شهر روبه‌رو شد و به تصویب رسید و برخی این اقدام شورا را تحسین برانگیز و بی‌سابقه خواندند؛ برخی هم به مخالفت با این اقدام برخاسته و اعلام کردند شورای شهر تهران به جای حل مشکلات شهرو مردم، اسم فامیل بازی می‌کنند.

به عبارتی از همان اوایل که بحث تغییر نام خیابان‌ها مطرح شده؛ به این دلیل که گرایش‌های سیاسی برخی اسامی اعلام شده با سلاطین و گرایش‌های سیاسی برخی دیگر همخوانی نداشت؛ باران واکنش‌های تند به باریدن گرفت. روزنامه جوان، طرح موضوع «تغییر نامگذاری معابر و خیابان‌ها» از سوی شورای شهر را «برداشتن به حاشیه به جای متن» از زیبایی کرد و نوشت: «شهر تهران بی‌تردید نیازها و اقتصادات زیادی برای رشد توسعه به سود شهروندان این کلاشهر دارد. اولویت‌هایی که صرفاً عمرانی هم نیستند و مسائل دیگری، چون فرهنگی‌تر کردن شهر رانیز شامل می‌شوند، اما شورای شهر تهران از زمانی که روی کار آمده توجه به امور دست‌چندم و رسانه‌ای کردن آن را در اولویت قرار داده‌است.»

نویسنده به ظاهر عاصی از شورای شهر و خط‌فکری حاکم‌بر آن؛ اعضای شورا را به استفاده ابزاری از «سلب‌ریتی‌ها» متهم کرده و می‌نویسد: «هنرمندان در زمان حیات نیازمند توجه اصولی هستند و قاعدتاً دوست نخواهند داشت که از آن‌ها به عنوان ابزاری سیاسی بهره‌برداری شود. همین حالا صد هنرمند پیشکسوت سینما و تلویزیون با مشکلات عدیده مالی دست و پنجه نرم می‌کنند. شورای شهر تهران اگر واقعا قصد تکریم هنرمندان را دارد

پیشنهاد جنجالی تغییر نام خیابان‌ها از سوی رئیس کمیسیون نامگذاری شورای شهر تهران به شورا ارائه و تصویب شد. برخی این اقدام شورا را تحسین برانگیز و بی‌سابقه خواندند؛ برخی هم به مخالفت با این اقدام برخاسته و اعلام کردند شورای شهر به جای حل مشکلات شهرو مردم، اسم فامیل بازی می‌کند

تعمیداتی برای کاهش آلام این عزیزان در نظر بگیرد، البته بدون اینکه آن را در بوق و کرنا کنند و قصد استفاده رسانه‌ای از آن را داشته باشند، چرا که آبروی این عزیزان چیزی نیست که بتوان آن را قیمت‌گذاری کرد.»

شورای شهر با خود چه فکر کرده!؟

شورای شهر بدون شک می‌داندست که نامگذاری خیابانی به نام محمدرضا شجریان که طی ۴۰ سال گذشته تنها یک بار در تلویزیون ایران حضور داشته‌است؛ یا نامیدن کوی و برزنی به نام هوشنگ ابتهاج که سابقه عضویت در حزب توده را دارد و همگان از او تصویری چپ و لائیک در ذهن دارند وای بسا فروغ فرخزاد که شعرهای عاشقانه و بی‌پروایش به مذاق خیلی‌ها خوش نمی‌آید و او را شاعری عصیانگر و هنجارشکن می‌دانند یا سیمین بهبهانی که بارها مخالفت خود را با مقوله حجاب اجباری اعلام کرده‌است؛ به این سادگی نیست و با مخالفت‌هایی روبه‌رو خواهد شد.

به نظر می‌رسد که شورای اصلاح‌طلب شهر تهران که اعضای آن در این دوره اصولگرایان و تسط‌دیرپای آنها را بر شورا پشت‌سر گذاشتند و بعد از سالیان سسال مصطفی چمران را از ریاست آن خلع کردند؛ علاقمند هستند با نامگذاری کوچه‌ها و خیابان‌ها به نام هنرمندانی که مورد توثق و محل اعتنای مردم هستند و چهره‌های مردمی دارند؛ یک‌چهره اصلاح‌طلبانه و غیر ایندژئولوژیک از خود نشان دهند. به عبارتی با این پیشنهاد پوشیده‌اند این حس‌الفاقند که گشایش و تغییراتی ایجاد شده‌است و حال از رهگذر این تغییر؛ می‌توان با قرار دادن نام برخی هنرمندان و روشنفکران بر تابلوی کوچه‌ها و خیابان‌ها با آنها از آشتی درآمد.

باید منتظر ماند و دید آینده چه در چنه دارد؛ نام محمدرضا شجریان، فروغ فرخزاد و... بر تارک خیابان‌ها می‌نشیند یا با مخالفت‌های فرمانداری و ایشا افراد و نهاد‌های دیگر خیابان‌ها همچنان با اسامی فعلی نامیده می‌شوند.

از گوشه و کنار

رئیس قوه قضائیه در خصوص پرونده فعالان محیط زیست: تشخیص بی‌گناهی افراد را برعهده دادگاه بگذارد



رئیس قوه قضائیه در مورد پرونده فعالان محیط زیست گفت: تشخیص بی‌گناهی یا گناهکار بودن افراد را برعهده دادگاه و قوه قضائیه بگذارد. سید ابراهیم رئیسی دیروز در نشست هم‌اندیشی با فعالان محیط زیست با موضوع احقاق حقوق عامه در حوزه محیط زیست افزود: زمانی که به قوه قضائیه آمدیم این پرونده مطرح بود. در این زمینه نکات و ابهاماتی وجود داشت و گروه‌های کارشناسی ساعت‌های بسیاری به طور دقیق موضوع را بررسی کردند. وی ادامه داد: دادگاه در حال رسیدگی به پرونده است؛ من هم در این رابطه نظری ندارم. باید منتظر باشیم تا دادگاه نظر بدهد. رئیسی اضافه کرد: اینکه می‌گویید این افراد را در دانشگاه یا محل کار می‌شناختید، شناخت شما در همین حوزه است و ممکن است لایه دیگری در زندگی افراد باشد اما دوری را باید قاضی انجام دهد.

فرمانده یگان حفاظت محیط زیست خبر داد: تشکیل ۱۲ پرونده برای حریق‌های عمدی



فرمانده یگان حفاظت محیط زیست با بیان اینکه بیش از ۸۰ درصد آتش‌سوزی‌ها سهوی و توسط عامل انسانی است، گفت: ۱۲ پرونده در خصوص حریق‌های عمدی تشکیل و تمامی متهمان به مراجع قضایی معرفی شده‌اند. سرهنگ جمشید محبت‌خانی در گفت‌وگو با خبرنگار ایلام درباره حریق در عرصه‌های طبیعی در ۴ ماهه گذشته گفت: متأسفانه حریق در عرصه‌های طبیعی در ۴ ماهه گذشته نسبت به سال قبل بیش از ۶۰ درصد افزایش داشته‌است. وی با بیان اینکه ۷ مورد از این آتش‌سوزی‌ها به دلیل عوامل طبیعی مانند رعد و برق بوده‌است، ادامه داد: عامل اصلی مابقی آتش‌سوزی‌ها انسانی بوده‌است که یا به صورت عمدی یا غیر عمدی باعث ایجاد حریق در عرصه‌های طبیعی شده‌اند. فرمانده یگان حفاظت محیط زیست خاطر نشان کرد: اغلب حریق‌ها به دلیل سهل‌انگاری در پی رهاسازی ظروف بلاستیک یا خرده‌شیشه‌است که باعث بروز حریق می‌شود. همچنین ممکن است آتش‌روشن‌کنند و متأسفانه آن را به طور کامل خاموش نکنند که این باعث آتش‌سوزی می‌شود.

در گفت‌وگو با ایلاما مطرح شد:

تداوم «تراکم فروشی متخلفانه» در برخی مناطق شهرداری



رئیس کمیسیون معماری و شهرسازی شورای شهر تهران از تداوم تراکم‌فروشی متخلفانه در برخی مناطق شهرداری خبر داد.

محمد سالاری در گفت‌وگو با ایلاما، درباره تخلفات تراکم‌فروشی در تهران گفت: موضوع تراکم‌فروشی باید در شهر تهران تفکیک شود، تراکم‌فروشی قانونی و تراکم‌فروشی غیرقانونی. تراکم‌فروشی قانونی در چارچوب مفاد طرح تفصیلی شهر تهران که ملاک عمل برای شهرداری است، انجام می‌شود. وی با تشریح تراکم‌فروشی ممنوعه و خلاف، گفت: آن نوع فروش تراکم که تخلف محسوب می‌شود، خارج از مفاد طرح تفصیلی اجرامی‌شود.

به این مفهوم که بعضاً شهرداری برای درآمدزایی به خصوص در دوره مدیریت شهری گذشته، به برخی پرونده‌ها در شورای معماری مناطق و یا دستور شهرداری اجازه بیش از بارگذاری زیرپهنه طرح تفصیلی می‌داد.

پیچیده‌تر شده است. پروسه‌ای که با توجه به ظرفیت محدود منابع و نیروی انسانی بازه زمانی طولانی را دربرمی‌گیرد و عملاً نه تنها بهبودی در وضعیت کودک و خانواده‌اش ایجاد نمی‌کند بلکه، با تحمیل هزینه‌های مادی و روانی بیشتر به خانواده شرایط کودک را سخت‌تر و عملاً زمینه تشدید آسیب‌ها را فراهم می‌کند. پرونده «سمیر» یکی از ده‌ها پرونده‌ای است که این روزها با عنوان پرونده مددکاری زیر دست مجربان طرحی با عنوان جمع‌آوری کودکان کار و خیابان می‌رود. در کشاکش رسیدگی به این پرونده‌ها چه بسیار زنده‌ماندن باقی بماند. امیری توضیح می‌دهد که تا پیش از این، وقتی کودک ۱۲ سال را در خیابان می‌گرفتند، انجمن‌هایی که کودک را به هر طریقی می‌شناختند یا از خانواده‌اش حمایت می‌کردند، به بهزیستی و مراکز نگهداری مراجعه می‌کردند و با ارائه ادله و توضیحاتی او را ترخیص می‌کردند. اما انکار در طرح اخیر و با ورود انجمن حامی به عنوان یکی از مجربان طرح، این پروسه

انجمن حمایت از حقوق کودکان از دیده‌ها و شنیده‌هایش در بازدید سرزده از مرکز نگهداری کودکان کار و خیابان بعثت، روایت تلخ پرونده یک کودک دستفروش دستگیر شده در کنار ده‌ها کودک هم‌سن و سال دیگر که وجوه اشتراک بسیاری باهم دارند فقر، نابرابری و مهاجرت. برای «سمیر» اما همه اینها در یک کفه قرار نداشت. در سوی دیگر این کفه، خودش نسبت به ۱۳ خاواهر و برادر دیگری که هر روز زیر سایه ترس و نگرانی ناشی از نداشتن اوراق هویتی، در خیابان‌های تهران دستفروشی می‌کنند، تا شاید جانی برای زنده ماندن باقی بماند. امیری توضیح می‌دهد که تا پیش از این، وقتی کودک ۱۲ سال را در خیابان می‌گرفتند، انجمن‌هایی که کودک را به هر طریقی می‌شناختند یا از خانواده‌اش حمایت می‌کردند، به بهزیستی و مراکز نگهداری مراجعه می‌کردند و با ارائه ادله و توضیحاتی او را ترخیص می‌کردند. اما انکار در طرح اخیر و با ورود انجمن حامی به عنوان یکی از مجربان طرح، این پروسه

کودک در روند پیگیری وضعیت ترخیص یک کودک مهاجر دستگیر شده نشان می‌دهد، طرح جمع‌آوری، امسال باشد بیشتتری در حال انجام است کودکان جمع‌آوری شده تا زمان احراز هویت و بازدمجریان طرح از محل سکونت‌شان، در این مراکز نگهداری می‌شوند. روایت‌های متعددی از این کودکان نشان می‌دهد، دوری اجباری از خانواده و قرار گرفتن در وضعیت بلا تکلیفی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به روان کودک وارد می‌کند. «روز پنجشنبه که به مرکز بعثت مراجعه کردیم، آقای که شبیه نگهدارها بود، پرس‌وجو کرد که کارتان چیست؟ گفتیم که ما از انجمن آمده‌ایم برای پیگیری وضعیت یکی از بچه‌ها و می‌خواهیم با مسئول مددکاری یا مدیریتر مرکز صحبت کنیم. آن آقا رفت و یک لیست دستنویس آورد. پرسید: اسم بچه چیه؟ گفتیم: «سمیر زریوی». خلاصه با کمی کش و قوس ما را به داخل مرکز هدایت کردند.» این‌ها روایت ضعی امیری است. فعال حقوق کودک و عضو کمیته حقوقی

کودک در روند پیگیری وضعیت ترخیص یک کودک مهاجر دستگیر شده نشان می‌دهد، طرح جمع‌آوری، امسال باشد بیشتتری در حال انجام است کودکان جمع‌آوری شده تا زمان احراز هویت و بازدمجریان طرح از محل سکونت‌شان، در این مراکز نگهداری می‌شوند. روایت‌های متعددی از این کودکان نشان می‌دهد، دوری اجباری از خانواده و قرار گرفتن در وضعیت بلا تکلیفی، آسیب‌های جبران‌ناپذیری را به روان کودک وارد می‌کند. «روز پنجشنبه که به مرکز بعثت مراجعه کردیم، آقای که شبیه نگهدارها بود، پرس‌وجو کرد که کارتان چیست؟ گفتیم که ما از انجمن آمده‌ایم برای پیگیری وضعیت یکی از بچه‌ها و می‌خواهیم با مسئول مددکاری یا مدیریتر مرکز صحبت کنیم. آن آقا رفت و یک لیست دستنویس آورد. پرسید: اسم بچه چیه؟ گفتیم: «سمیر زریوی». خلاصه با کمی کش و قوس ما را به داخل مرکز هدایت کردند.» این‌ها روایت ضعی امیری است. فعال حقوق کودک و عضو کمیته حقوقی

روایتی از دور تازه اجرای طرح جمع‌آوری کودکان کار در خیابان

کودک دستگیر نشود

لیلا رزاقی

«شما اینطور تصور کن که اینجا یک انبار کالا است و ماصرفادر صورتی که بر گترخیص کالا را دریافت کنیم، می‌توانیم این کالاها را به بیرون بفرستیم. این‌ها بایک برگه مسئول جمع‌آوری وارد می‌شوند و بایک برگه ترخیص، جواز خروجشان داده می‌شود. غیر از این، ماهیچ مسئولیت دیگری نداریم.» اشتباه نکنید، اینجا گمرک نیست. قرار هم نیست، بار یا کالایی وارد یا خارج شود. باور تان بشود یا نه، اینجا یکی از چندین مرکز شبانه‌روزی نگهداری از «کودکان کار و خیابان» است. این‌ها هم قسمتی از حرف‌های یکی از کارمندان این مرکز است، خطاب به مددکاری که برای پیگیری وضعیت یک کودک مهاجر «دستگیر شده» در